



در علوم انسانی

First International Conference &  
Second National Conference  
on modern research  
in the Humanities  
12 June 2015



## شکل گیری حکومت اقلیم در کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

علیمردان بخشی پور<sup>۱</sup>، قدرت احمدیان<sup>۲\*</sup>.

۱- کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ایران.

Email: A.bakhshipor@gmail.com.

۲ و \* - دکتری علوم سیاسی - روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران.

Email: Ghudratt@yahoo.com.

### چکیده

در کردستان عراق برای تشکیل حکومت مستقل فدرالیسم، تلاش فراوان صورت گرفته است. شکل گیری این حکومت فدرال در منطقه به نوبه خود یک پدیده جدید در صحنه سیاسی خاورمیانه است. هدف اصلی این تحقیق شناسایی تأثیرات استقرار حکومت محلی در کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. مطالعات نشان داد تشکیل حکومت اقلیم کردستان زمینه ساز تشدید مطالبات سیاسی کردها در جمهوری اسلامی ایران می شود و یک ذهنیت مقایسه ای را ایجاد می نماید. ایجاد چنین حکومتی زمینه را برای تشدید و حضور گروه ها، احزاب مهم و معارض نظام جمهوری اسلامی از جمله پژاک، کومله و دمکرات در کردستان فراهم می سازد، تشکیل چنین حکومتی خود بستر مناسبی برای حضور قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای از جمله اسرائیل و ایالات متحده آمریکا در همسایگی ایران شده که این حضور با توجه به رقابت های سیاسی تبعات امنیتی فراوانی را در پی دارد.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، فدرالیسم، آمریکا، اسرائیل، حکومت اقلیم کردستان، امنیت ملی.



## Article title in English

### The Creation of Iraq's Kurdish Regional Government (KRG) and its effect on I. R of Iran national Security

#### Abstract

To bring Independent federal government many attempts have been made in Iraqi Kurdistan. Primarily in this area, formed federal government that is new event in political scene of Middle East. The main objective of this study was to identify the impacts of local government in Iraqi Kurdistan on National Security of the Islamic Republic of Iran. Research methods will be descriptive and analytical. Studies show formation Kurdistan government threatens underlying political demands of kurds in Iran and provides a comparative mentality. the creation of such a state provides the grounds for escalated and the major opposition parties and Islamic groups, including the PKK, the Kurdistan democratic and offers that Iraq Kurdistan is a safe shelter for many opponents of the Islamic republic of Iran. The creation of such a state and its political context contain the presence of trans – regional powers such as Israel and America in the neighboring of Iran that this presence has a lot of security implications in regard of the competing political, security between Iran, Israel and America that it is the most important aspect of the threat against Iran.

**Keywords :** The Islamic Republic of Iran, Federalism, America, Israel, Kurdistan Regional Government, National Security.

#### ۱- مقدمه

به فدرالیسم پدیده‌ای است که در گذر زمان به عنوان عامل وحدت بخش قومیت‌ها، در کشورهای متعددی به کار گرفته شده است تا مردم چنین سرزمین‌هایی بتوانند با آرامش نسبی در محیط مربوط به خود اسکان یافته و زندگی کنند. تعاریف موجود در خصوص فدرالیسم بیشتر مبتنی بر اشکال خاصی از حکومت‌های امروزی همچون آمریکا، کانادا، سوئیس، هند و... می‌باشد. اما شکل فدرالیسم موجود در عراق از نوع خاص و هدایت شده‌ای است که در صورت تحقق عملی، پیامدهای قابل توجهی بر کشورهای همسایه عراق و به طور مشخص ایران خواهد داشت. شناخت تعارضات و شکاف‌های اجتماعی در سطح عراق گام اول در جامعه شناسی سیاسی این کشور است. در عراق امروزی تنوع قومی از درون بوده و قومیت‌ها علاوه بر مذهب در نژاد نیز متفاوت می‌باشد، که بر سر منابع قدرت سیاسی و اقتصادی با یکدیگر رقابت دارند. در گذشته سنی‌های عراق مرکز قدرت را به خود و قبایل هم پیمان اختصاص داده بودند و سایر گروه‌های پیرامون نقش تعیین کننده‌ای در حکومت نداشتند. از منظر تحولات بین المللی پس از حمله سال ۱۹۹۲، حضور نیروهای ائتلاف علیه عراق، تحریم‌های اقتصادی، ایجاد مناطق امن در شمال و جنوب برای کردها و شیعیان فعالیت‌های قومی در این کشور را تشدید تا این که بعد از اشغال عراق توسط آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۳ به تحریک عوامل خارجی جنگ‌های داخلی در عراق نیز شکل گرفت.

کردها در عراق پس از صدام در قانون اساسی این کشور حائز امتیازاتی شدند که تا قبل از فروپاشی حکومت بعث از آن بی‌بهره بودند. با این حال، شکل‌گیری فدرالیسم در عراق پس از صدام برای جمهوری اسلامی ایران دارای پیامدهای منفی خواهد بود. از جمله مهم‌ترین این اثرات می‌توان به حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانتقه‌ای مخالف جمهوری اسلامی ایران و به طور مشخص آمریکا و اسرائیل، تأثیرات روانی بر کردهای ایران، فعالیت گروه‌های معارض جمهوری اسلامی ایران از جمله کومله، پژاک و ... در اطراف مرزهای جمهوری اسلامی ایران اشاره داشت. این عوامل می‌تواند امنیت جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته و زمینه ساز شکل‌گیری بحران‌های داخلی و خارجی در کشور شود.



## ۲- بیان مسئله

در طول چهار دهه‌ی گذشته، عراق زمینه‌های تهدید و تحمیل هزینه‌های امنیتی و سیاسی برای ایران بوده است. تغییر رژیم بعثی و بروز تحولات جدید که منجر به تغییر ماهیت و ویژگی‌های جدید در ساخت قدرت و سیاست عراق گردیده، نقطه‌ی عطفی در روابط دو کشور به حساب می‌آید. تحولات در عراق پس از صدام نه تنها روابط خارجی این کشور بلکه چارچوب سیاست خارجی و حتی نظام سیاسی کشورهای همسایه‌ی آن از جمله ایران را تحت تأثیر قرار داد. در این میان، یکی از مسائل مهم برای ایران پس از شکل‌گیری عراق جدید، مباحث مربوط به فدرالیسم است.

کردها هم اکنون تشکیل دولت مستقل کرد را با توجه به مخالفت‌های منطقه‌ای و وضعیت داخلی عراق غیر عملی می‌دانند. لذا راهبرد کوتاه مدت و میان مدت خود را بر تثبیت فدرالیسم قرار داده‌اند. از نظر کردها، فدرالیسم باید از نوع قومی و نژادی باشد. از این دیدگاه، ایالت کردستان عراق به عنوان جزئی از عراق فدرال شامل تمامی مناطق کردنشین عراق از زاخو در مرزهای مشترک ترکیه، سوریه و عراق تا کرکوک، اربیل، دهوک، سلیمانیه و خانقین خواهد بود. مخالفین این دیدگاه از جمله احزاب عمده شیعه، معتقد به نوعی فدرالیسم اداری هستند یعنی واگذاری برخی اختیارات دولت مرکزی به ایالت‌هایی که الزاما براساس قومیت یا نژاد تقسیم بندی نشده‌اند. اختلاف نظر کردها و شیعیان بر سر مساله مذکور باعث شده است تا کردها نیز در مقابل با تقاضای شیعیان برای پررنگ شدن سبکه دینی حکومت و جایگاه جدی تر دین اسلام در تدوین قانون اساسی مخالفت ورزند.

در هر حال استقرار یک نظام فدرالیستی در عراق به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده است. با توجه به وجود فرامرزی بودن قومیت کرد بین کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق، ایجاد حکومت خودمختار در کردستان عراق و در بخشی از مجموعه کردستان بزرگ، خود زمینه ساز شکل‌گیری پیامدهای امنیتی جدی برای کشورهای دیگر است. بی تردید شناخت اثرات امنیتی ایجاد حکومت حریم (اقلیم) در کردستان عراق و احتمالا تشکیل دولت مستقل کردی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مبنای یک پژوهش جدی قرار بگیرد. لذا پرسش این تحقیق را می‌توان اینگونه مطرح کرد: استقرار حکومت محلی در کردستان چه تأثیری می‌تواند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟

## ۳- تعریف متغیرها

محدودیتی آنگونه که پیداست این پژوهش دارای دو متغیر می‌باشد: الف) متغیر مستقل - تشکیل حکومت حریم (اقلیم) در کردستان عراق: منظور از متغیر فوق اشاره به یک سیستم حکومتی در منطقه کردستان عراق است که پس از تلاش‌ها و درگیری‌های فراوان در نهایت پس از جنگ کویت و متعاقب قطعنامه‌های سازمان ملل مبنی بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع در قلمرو کردستان عراق در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد. امروزه و در پرتو ایجاد نظام فدرالیستی در عراق و در قالب قانون اساسی جدید حکومت خودمختار اقلیم کردستان به عنوان یک واقعیت سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است و به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهد.

ب) متغیر وابسته - تضعیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: این متغیر به وضعیتی اشاره دارد که به واسطه شکل‌گیری سیستم فدرالیستی و تشکیل حکومت خودمختار کردستان عراق به وجود آمده است. تشکیل حکومت خودمختار در کردستان عراق از ابعاد چندگانه ای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به خطر می‌اندازد.

## ۴- روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد. هدف این روش، توصیف جز به جز موقعیت یا یک رشته شرایط است. توجه آن اول به زمان حال است هرچند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۵- محدوده زمانی و مکانی تحقیق

محدوده زمانی تحقیق حاضر از زمان قیام کردها در سال ۱۹۲۰ تا به امروز است و به لحاظ مکانی کشور عراق را در بر می‌گیرد.

## ۶- فدرالیسم با نظریه و تجربه بشری

هنگامی که سخن از فدرالیسم به میان می‌آید، همواره باید به نظریات مربوط به فدرالیسم توجه نمود، برخی از نظریه پردازان، به ویژه در جهان سوم، معتقدند که فدرالیسم می‌تواند سرمشقی واحد برای همه جوامعی باشد که در آن موضوع همزیستی گروه‌های



گونگون وجود دارد. گفتنی است که به استثنای بلژیک، در دیگر کشورهای فدرال، همواره جنگ، انقلاب و یا استعمارزدائی، موجب گزینش فدرالیسم شده است. با توجه به نظریه های مختلف فدرالیسم و تجارب نظام های فدرال، شاخصه های مختلف این نظام ها را می توان اینگونه بیان کرد: ۱- دوگانگی در زمینه ی اقتدار سیاسی (وجود حکومت مرکزی و حکومت های ایالتی)؛ ۲- تفکیک اختیارات و صلاحیت ها بین مرکز و ایالات؛ ۳- عدم تمرکز در قدرت به صورت افقی (بین قوای سه گانه و ارگان های مختلف) و عمودی (بین مرکز و مناطق)؛ ۴- وجود قانون اساسی مدون و نوشته شده؛ ۵- برتری قانون فدرال بر قوانین ایالتی؛ ۶- عدم توانایی ایالات در جدایی خواهی از دولت فدرال؛ ۷- سیستم دو مجلسی؛ ۸- وجود دادگاه های فدرال (ساعتی و مرادی، ۱۳۹۰).

#### ۷- طرح تثبیت ساخت سیاسی فدرالیسم در عراق

وجه بارز حیات سیاسی در عراق از تاسیس تاکنون غلبه عرب های سنی مذهب بر مناطق کلیدی این کشور می باشد. کردها با توجه به تفاوت ها و شکاف های قومی، زبانی و تاریخی که با اعراب عراق دارند جنجالی ترین اقلیت به شمار می روند که از زمان تجزیه امپراطوری عثمانی که بر مبنای اندیشه خلافت شکل گرفته بود و بر اثر رسوخ اندیشه های ناسیونالیستی و دخالت های انگلیس و فرانسه از هم پاشید با حکومت مرکزی عراق به کشاکش و مبارزه پرداخته اند. با اندکی مسامحه نقطه شروع جنبش ناسیونالیستی کرد در عراق را می توان قیام شیخ محمود برزنجی دانست. شیخ محمود از تیپ اجتماعی و مذهبی با زبانی خاص (اسلام) برای همراهی نمودن اکراد جهت مقابله با بیگانگان و دولت تازه تاسیس عراق بهره می برد. هر چند شیخ محمود در عمل نتوانست به اهداف خود دست یابد اما بی گمان تأثیرات دراز مدت قیام وی برای کردهای عراق غیر قابل انکار است (مک داوول، ۱۳۸۰).

پس از آنکه شیخ محمود علیرغم کوشش های فراوان نتوانست به اهداف خود برسد، رهبری مبارزات کردهای عراق به دست بارزانی ها و به طور عمده ملا مصطفی بارزانی افتاد. با کودتای ۱۹۵۸ عبدالکریم قاسم و ایجاد جمهوری عراق و تلاش بغداد برای کنترل استان های کردنشین رویارویی جدی تر شد. تحول عمده ای که در این تاریخ در خصوص اکراد عراق روی داد، قراردادی بود که در سال ۱۹۷۰ بین دولت بعثی عراق و کردها منعقد شد که ضمن دادن حقوق و امتیازات متعددی به اکراد حاکی از اعطای نوعی خود مختاری فرهنگی به اکراد بود و بر اساس آن برای اولین بار در خاور میانه اکراد این امکان را یافتند که در مدارسشان در کنار زبان عربی، زبان کردی را نیز بیاموزند (مک داوول، ۱۳۸۰). اقدامات تروریستی دولت بعث در سوء قصد به ملا مصطفی و همچنین عدم حصول نتیجه در خصوص کرکوک، فرو پاشی اعتماد بین دو طرف را به ارمغان آورد. با انعقاد پیمان دوستی عراق با اتحاد شوروی در آوریل ۱۹۷۲، زمینه نزدیکی میان شاه و بارزانی ایجاد شد و بدلیل وعده های آمریکا و شاه به ملا مصطفی مبنی بر حمایت تا حصول استقلال از ۱۹۷۳ به بعد چشم انداز ترمیم مناسبات اکراد با دولت عراق رو به تیرگی گرائید. کمک های تسلیحاتی و جنگی لجستیکی شاه به بارزانی آنان را در ادامه مبارزه تا حصول به استقلال مصمم تر ساخت (رندل، ۱۳۷۹).

بهای کمک های شاه به ملا مصطفی بارزانی کنترل کردهای مخالف دولت ایران بود. چیزی که فی نفسه در تضاد با آرمان های استقلال طلبانه کردها بود و جنبش کرد را بیش از پیش دچار چند دستگی و پراکندگی می نمود. آن هم در مقابل کمک های حکومتی که نمی شد به راحتی به وعده های آن اعتماد کرد (کوچرا، ۱۳۷۷).

ملا مصطفی مبارزه را تا قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ که بهای سنگینی برای کردها داشت، ادامه داد. در طول این سالهای طولانی کردستان عراق همواره دستخوش ناآرامی و جنگ و گریز بوده است. هر چند در فواصلی کوتاه درگیری ها قطع می شد اما در کل کنترل این منطقه از دست دولت عراق خارج بود و تنها در برخی از برهه های زمانی و آن هم از طریق اعمال زور و سرکوب شدید بر قسمت هایی از کردستان تسلط می یافت (کوچرا، ۱۳۷۷).

به محض انعقاد موافقتنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره کمک های کنترل شده به یکباره قطع شد و کردها عراق بدون حامی رها شدند. ایران تنها به قطع کمک ها اکتفا نکرد بلکه کردهای عراق را تهدید کرد که در صورت ادامه مبارزه علاوه بر دول عراق با دولت ایران نیز طرف خواهند بود و دولت ایران نیز همزمان به سرکوب آنها خواهند پرداخت (کوچرا، ۱۳۷۷). نکته ای دیگر که در مورد تحولات کردستان عراق در این سال ها نباید فراموش کرد، ایجاد شکاف در جنبش ملی کردهای عراق بود (حسن پور، ۱۳۸۱).

#### ۸- کردستان عراق و جنگ هشت ساله ایران و عراق

در واقع جنگ ایران و عراق پایانی بر دوره رکود مبارزات کردهای عراق پس از انعقاد موافقت نامه الجزایر بود با آغاز جنگ ایران و عراق بر شدت درگیری میان کردهای عراق و دولت این کشور نیز افزوده شد. این بار هم کردهای عراق در مبارزات خود علیه بغداد از طرف ایران حمایت می شدند. در همین راستا بود که سازمان های کرد عراقی نظیر حزب دموکرات کردستان عراق از جمهوری اسلامی حمایت کردند و در جنگ با گروه های کرد ایرانی به دولت ایران یاری رساندند. همکاری گروه های کرد عراقی با دولت ایران تا پایان جنگ ادامه یافت. در دوران جنگ ایران و عراق سیاست سرکوب رژیم بعث علیه کردهای مخالف با شدت هر چه



تمام تر ادامه یافت. اوج این سرکوبها و کشتارها، بمباران شیمیایی شهر حلبچه در سال ۱۹۸۸ بود. جنایت دولت عراق فقط به این مورد محدود نمی شد. در همین دوران دولت عراق با پیگیری سیاستی که بعدها به «کشتار انفال» مشهور شد به شیوه ای منظم دست به پاکسازی قومی مناطق کردنشین شمال عراق زد و طی این عملیات هزاران تن از مردم مظلوم کرد را به قتل رساند (جوانمردی، ۱۳۸۰).

#### ۹- تاسیس دولت خود مختاری کرد در شمال عراق

قیام سراسری کردهای شمال عراق در سال ۱۹۹۱ متعارف بیرون رانده شدن نیروهای عراق از کویت، همزمان با قیام شیعیان جنوب این کشور موجب به خطر افتادن یکپارچگی و بقای کشور عراق شد (کرمی، ۱۳۷۶). تحت حمایت قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ارتش عراق تحت فشار آمریکا، انگلیس و فرانسه مجبور شد مناطق کردنشین را تخلیه نماید. این مناطق امن شامل استانهای دهوک، اربیل و سلیمانیه در بالای مدار ۳۶ درجه می باشد. هر چند در بالای این مدار مناطقی هنوز در کنترل دولت عراق قرار داشت. از این زمان به بعد امور این سه استان تقریباً از کنترل دولت عراق به طور کامل خارج شده و حالت یک دولت خود مختار را پیدا نمود. این تجربه حکومتی، بزرگترین دوره خود مختاری داخلی در تاریخ کردها بعد از جمهوری یک ساله مهباد را رقم زد. برخی از کردها از آن به نام «عصر طلایی کردی» یاد می کنند. تاسیس این دولت خود مختار که در پناه حمایت نظام بین الملل به ویژه ایالات متحده و از طریق بازدارندگی های بین المللی امکان پذیر گردیده بود با مداومت و طول بالغ بر یک دهه خود مهمترین پیشرفت ناسیونالیسم کرد از بدو پیدایش محسوب می گردد. کردهای عراق با برگزاری انتخابات مجلس در سه استان دهوک، اربیل و سلیمانیه ملی خود را تشکیل دادند. این انتخابات در ماه مه ۱۹۹۲ در کردستان عراق برگزار شد. هدف از این انتخابات چنین بیان شد «پایان دادن به هرج و مرج، یک پارچه کردن قدرت و ایجاد مبنایی قانونی برای حکومت خود مختار» (مقصودی، ۱۳۸۲). از این زمان به بعد کردها بارها تاکید کرده اند که درصدد تجزیه عراق نیستند، بلکه خواهان ایجاد یک موجودیت فدرال برای خود در چارچوب عراقی دموکراتیک می باشند. امروزه فعالیت های عمرانی در مناطق کردنشین عراق در پرتو حمایت ها و مساعدت های بیدریغ آمریکا به نحو چشمگیری افزایش یافته است. مهمترین توجیه آمریکا در تمرکز فعالیت های عمرانی و اقتصادی در شمال عراق وجود امنیت کامل در آن منطقه عنوان می شود.

#### ۱۰- سقوط صدام حسین و طرح تثبیت فدرالیسم در عراق

در راستای تثبیت نظام فدرالی، احزاب کرد عراقی پس از جنگ عراق (۲۰۰۳) مواضع هماهنگی اتخاذ کردند و اختلافات پیشین را کنار گذاشتند آن گونه که برای شرکت در انتخابات مجمع ملی عراق ائتلافی واحد با عنوان ائتلاف کردستان عراق تشکیل دادند تا توان چانه زنی خود را برای تعقیب خواسته هایشان بالا ببرند (کاکایی، ۱۳۸۷). کردها هم اکنون تشکیل دولت مستقل کرد را با توجه به مخالفت های منطقه ای و وضعیت داخلی عراق، غیرعملی می دانند لذا، راهبرد کوتاه مدت و میان مدت خود را بر تثبیت فدرالیسم قرار داده اند. در حال حاضر، پایه های حاکمیت مناطق کردنشین کاملاً مستقل از دولت مرکزی است. از جمله مصداق های این امر می توان به تلاش برای ایجاد نمودهای حکومت داری و سیستم سیاسی مستقل اشاره نمود (امیری، ۱۳۸۹).

کردها در جایگاه بزرگترین پشتیبان نظام فدرالیستی در عراق، آن را عامل موثری در افزایش اتحاد در عراق و حل و فصل مشکلات پیچیده و دیرینه آن و توجه به خواست اقلیت ها می دانند. زمینه پیدایش چنین الگوی مدیریت سیاسی شمال عراق را باید سرنوشتی حکومت بعث، حضور نیروهای بین المللی و همچنین تجربیات بیش از یک دهه حکومت احزاب کردی بر آن محدوده دانست. تعیین سرنوشت شهر کرکوک در غرب کردستان عراق به دلیل مناقشه کردها، اعراب و ترکمن ها بر سر حاکمیت و مالکیت آن از مسائل تنش زا و حساس در شرایط کنونی و آینده کردستان و عراق به شمار می رود. شهر کرکوک در جریان حمله آمریکا به تصرف نیروهای کرد درآمد (اسدی، ۱۳۸۵).

به این ترتیب امروزه کردها در سطح ملی عراق با در اختیار داشتن سمت های حساس ریاست جمهوری، وزارت امور خارجه، معاونت نخست وزیری، معاونت رئیس پارلمان و تعدادی از وزارتخانه های دیگر نقش فعالی را در چارچوب عراق فدرال ایفا می کنند. در زمینه اختیارات حکومت منطقه ای کردستان در سطح بین المللی و روابط با سایر کشورها و نهادهای خارجی نیز، در ماده ۲۲ از فصل چهارم قانون اساسی عراق آمده است که حکومت های منطقه ای می توانند در زمینه های مورد نظر و هم چنین امور محلی با کشورهای دیگر به امضای توافق نامه بپردازند هم چنین می توانند به طور مستقیم با گروه های خارجی که هم سطح خودشان هستند، روابط داشته باشند (برزگر، ۱۳۸۵). کردها در تلاشند تا مدل قابل پذیرش برای سیستم بین المللی و منطقه ای و نیز مطلوب برای کردها پایه گذاری کنند.



## ۱۱- پیامدهای امنیتی فدرالیسم در عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شکل گیری فدرالیسم در عراق زمینه ساز شکل گیری تهدیدات مختلفی برای جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف شده است. بدون تردید عدم اتخاذ سیاست مناسب می تواند زمینه ساز آسیب های فراوانی برای کشور گردد. در این راستا، در ادامه مهمترین این پیامدها تشریح و بررسی می گردد.

### ۱۱-۱- شکل گیری ذهنیت مقایسه سازی میان کردهای ایران

پس از شکل گیری خودمختاری و همچنین فدرالیسم در عراق، یک ذهنیت مقایسه ای میان کردهای ساکن در ایران به وجود آمد. در این راستا، در ذهن کردهای ایران این سوال مطرح شد که چرا آنها توانستند یک نوع سیستم حکومتی مبتنی بر فدرالیسم به وجود آورند در حالی که اینها نتوانستند؟

توفیق نسبی شوروی سابق در کردستان، قیام سمیتقو، تشکیل جمهوری مهاباد، فعالیت های احزاب دموکرات کردستان و کومله گویای این واقعیت است که، عنصر اساسی تحریک افکار و گرایش های جدایی طلبانه در این منطقه تلاش قدرت های خارجی بوده است و این تلاش جدایی خواهانه خارجی هنگامی قرین توفیق گردیده که گفتمان مسلط در مرکز، درصدد حذف تمایزهای ملی - مذهبی موجود بوده و به صورت آمرانه، قصد تسطیح عقیدتی و ملی را داشته است. بنابراین در چنین شرایطی مؤلفه های شکاف خاصیتی هم افزا یافته و نهایتاً وحدت ملی را دچار مشکل ساخته است (نصری مشکینی، ۱۳۷۸).

در خصوص مطالبات سیاسی کردهای ایران باید اشاره داشت که در این ارتباط دو دیدگاه وجود دارد که متفاوت از همدیگرند: در دیدگاه اول که متعلق به گروه های سیاسی مخالف نظام است محور اصلی اهداف آنها مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام لیبرالیستی در اداره مناطق کردنشین در قالب سیستم فدرالیسم می باشد و دیدگاه دوم مربوط به نخبگان سیاسی درون حکومت است که تلاش می نمایند با حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و مدیریت کلان کشور در راستای قانون اساسی حرکت نموده و مطالبات خود را در قالب اصول اجرا نشده قانون اساسی پیگیری نمایند.

بعد از تشکیل دولت مدرن از آغاز عصر پهلوی، ایران دوره تمرکزگرایی شدیدی را تجربه کرد. تجربه ۸۰ سال اخیر نشان داده است که تمرکزگرایی از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چندان کارآمد نبوده است. هرچند در آغاز تشکیل دولت مدرن، تمرکزگرایی برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور ضروری بود؛ ولی ادامه آن توجیه چندانی نداشت. متأسفانه ورود درآمدهای نفتی به سید درآمدهای دولت، فرآیند تمرکزگرایی را تشدید کرد و دولت ایران از جنبه های مختلف به دولت رانتیر شباهت یافت. تجربه کشورهای مختلف، به ویژه نظام های کمونیستی سابق همه بر این حقیقت دلالت می کند که تمرکزگرایی موجب پیدایش ناکارآمدی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می شود (امیدی، ۱۳۸۸). تا زمانی که دغدغه امنیتی وجود داشته باشد، هر سازوکاری که این دغدغه را تشدید کند، قطعاً عقیم خواهد ماند. ظاهراً فدرالیسم با توجه به ماهیت مرکزگریزی آن، موجب افزایش این دغدغه خواهد بود و در مورد ایران عملی نیست (امیدی، ۱۳۸۸). کردهای ساکن در کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و ایران همواره به مثابه «اقلیت نامن» قلمداد شده اند. از بین چهار کشور مذکور، جمهوری اسلامی ایران با مسئله کردستان مشکلات کمتری داشته است چرا که کردها اساساً خود را آریایی و فارسی زبان می دانند و در تحقق راهبردهای ملی ایران، مشارکت جدی داشته اند. چنین وضعی قطعاً با شیوه برخورد دولت های مختلف ترکیه و عراق با کردها متفاوت است. لیکن ایران نیز پس از جنگ جهانی دوم تجربه های ناخوشایندی از مسئله کردستان در حافظه خود دارد و همواره از کنش های بیگانگان در مناطق کردنشین منطقه متأثر بوده است؛ حجم و عمق این تأثر ناشی از نیت متفاوت و بعضاً متعارضی است که قدرت های خارجی پیگیری می کنند (نصری مشکینی، ۱۳۷۸).

### ۱۱-۲- تمرکز معارضین و مخالفین جمهوری اسلامی ایران در قلمرو کردستان عراق

گروه های معارض و مخالف جمهوری اسلامی ایران از حمایت و پشتیبانی قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای و به طور مشخص اسرائیل و آمریکا نیز برخوردارند. جدای از اینکه مدل خودمختاری کردستان عراق تأثیراتی ذهنی - عاطفی را بر کردهای ایران دارد و زمینه ای برای تقویت ناسیونالیسم کردی در مناطق کردنشین ایران محسوب می شود اما حضور ایالات متحده آمریکا در شمال عراق در سطحی متوسط - ضعیف امنیت ملی ایران را در مرزهای غربی کشور تحت تأثیر خود قرار داده است (قربانی، شیخ نشین و قدیمی، ۱۳۹۱).

کردها با استفاده بهینه از اختلافات به وجود آمده در روند سیاسی جدید عراق، بر آن هستند تا حداکثر امتیازات ممکن را به دست آورند. از سوی دیگر، آمریکا نیز با توجه به مشکلات امنیتی، نظامی و سیاسی به وجود آمده در صحنه عراق از کردها برای ایجاد موازنه در مقابل نیروهای غیرهمسو داخلی و منطقه ای استفاده می کند. کلیه احزاب و گروه های مخالف کرد ایرانی در قلمرو حکومت ناحیه ای کردستان عراق مستقر شده اند. آنها آزادانه به فعالیت سیاسی و به ویژه رسانه ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران



می پردازند. برخی از این گروه‌ها از جمله «پژاک» به اقدامات مسلحانه علیه ایران نیز دست می‌زنند. دولت ناحیه‌ای کردستان عراق اگرچه روابط خود را با ایران، ترکیه و سوریه حفظ کرده است، اما نحوه تعامل آن با مخالفین کرد این سه کشور به گونه‌ای است که آنها با حمایت مادی و معنوی شخصیت‌های کرد عراقی به فعالیت خود ادامه می‌دهند (روحی، ۱۳۸۸).

### ۱۱-۳- حضور قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای مخالف جمهوری اسلامی ایران در قلمرو کردستان عراق

تا قبل از شکل‌گیری انقلاب اسلامی، آمریکا و اسرائیل نقش مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشتند. با شکل‌گیری انقلاب و تحت تاثیر مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط جمهوری اسلامی ایران و دو کشور مذکور به سوی واگرایی و تضاد پیش رفت. بی‌شک حضور این دو کشور که امروزه در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و نظامی در عراق فعالیت‌های گسترده‌ای دارند، می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره اندازد (اسدالهی، ۱۳۸۶).

رهبران کرد بر این باورند که آنچه مورد پیگیری کرده‌است، اتخاذ راهبرد مبتنی بر همکاری و کسب امتیاز در قبال همکاری با ایالات متحده و بعضی از بازیگران درون عراق است. با سرنگونی رژیم صدام، کردهای عراق در پرتو روابط خود با آمریکا به امتیازهای بی‌سابقه‌ای دست یافتند (مقصودی، ۱۳۸۴). آمریکا نیز با توجه به نیازهای امنیتی و اهداف منطقه‌ای‌اش نیازمند جلب خرسندی و همکاری کردهاست (قربانی، شیخ نشین و قدیمی، ۱۳۹۱).

همسو با تلاش‌های اسرائیل برای برقراری روابط جدید با کردستان عراق به علت خلاء حاکمیت صدام، کردهای عراق، به خصوص طایفه بارزانی، از برقراری این روابط استقبال و آن را فرصتی برای گسترش حاکمیت کردی (کردستان بزرگ)، تأمین منافع نظامی، کسب منافع اقتصادی و کسب منافع سیاسی قلمداد کردند و در این مسیر به عنوان اقدامی مشروعیت‌ساز در روابط با اسرائیل، از ابزار یهودیان کرد اسرائیل و علایق خانوادگی و عاطفی آنها بهره جستند. مخالفت‌های اکثر کشورهای منطقه با تجزیه عراق و ظهور کشوری مستقل به نام کردستان بزرگ باعث شد که کردها به تنها گزینه ممکن یعنی اسرائیل فکر کنند. همین مسئله یعنی فقر اقتصادی حاکم در کردستان عراق، زمین‌ها و بسترهای لازم را برای دو موضوع فراهم کرد: ۱. افزایش نفوذ اسرائیل در کردستان عراق با بهره‌گیری از عامل فقر اقتصادی و از طریق پوشش سرمایه‌گذاری‌های محدود تجاری و مالی در کردستان؛ ۲. شکل‌گیری نگرش مثبت افکار عمومی به اسرائیل و اقدامات آن در کردستان و کاهش حساسیت‌های داخلی کردها به حضور اسرائیل در این منطقه (قاسمی، ۱۳۸۸).

### ۱۱-۴- کشورهای منطقه و فدرالیسم

ظاهراً ایران مخالفتی با مسئله فدرالیسم در عراق ندارد. تقویت موقعیت جدید شیعیان در عراق در راستای ملاحظات استراتژیک ایران است. اگرچه تعیین نظام سیاسی عراق موضوعی داخلی است و کشورهای همجوار حق دخالت در امور داخلی عراق را ندارند، قریب به اتفاق این کشورها چشم انداز فدرالیسم در عراق را روشن نمی‌بینند و از پیامدهای منطقه‌ای آن به شدت نگران هستند و آن را به عنوان یک مشکل مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند. هیچ‌یک از کشورهای عربی حاضر نشدند سفارت‌خانه خود را در عراق افتتاح کنند. کشورهای عرب نظام فدرالی در عراق را قبول ندارند و به صراحت با آن مخالفت می‌کنند. (بیات، ۱۳۷۴).

### ۱۱-۵- تاثیرات سیاسی فدرالیسم بر کردهای منطقه

نقش مؤثر حکومت خودگردان شمال عراق در این فرآیند اولاً ایجاد باور، دلگرمی و امیدواری کردها به اینکه آنها قادرند سرنوشت خود را علی‌رغم تجارب و ناکامی‌های گذشته به دست بگیرند بوده است. ثانیاً شمال عراق پایگاه ارتباط کردستان با جهان خارج شده و کردها توانسته‌اند علی‌رغم تمایل دولت‌های ملی، مسائل و صدای خود را به گوش جهانیان و سازمان‌های بین‌المللی برسانند و از این طریق فشار دولت‌های مربوطه بر خود را کاهش دهند. این دولت‌ها اکنون با چالش سختی مواجه هستند، از یک سو کردها بر دامنه‌ی کنش و طرح خواست‌های خود می‌افزایند و این کنش گاهی به درگیری با نیروهای دولتی می‌انجامد که در ترکیه از گستردگی بیشتری برخوردار است (احمدی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر انتشار جهانی و منطقه‌ای اخبار مربوط به کردستان توجه جهانیان، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیرحکومتی و دولت‌های اروپایی و آمریکایی را جلب می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد ترکیب این دو چالش دولت‌ها را وادار به تغییر نگرش و سیاست آنها نسبت به کردها بنماید و به توسعه دموکراسی و ارتقاء فرهنگ و زبان کردی و رفع تبعیض و محرومیت اقتصادی-اجتماعی و عمرانی اقدام کنند. از این طریق هم سطح رضایتمندی کردها افزایش می‌یابد و هم یکپارچگی سرزمینی آنها حفظ می‌گردد. روابط اقلیت کردی با دولت‌های مربوطه در طیفی از اقدامات مسالمت‌آمیز تا خصومت‌آمیز قرار دارد و بازیگران این عرصه نیز گروه‌های مختلف اعم از احزاب سیاسی، مردم عادی، انجمن‌ها، نخبگان و غیره می‌باشند (احمدی، ۱۳۸۲).



اوجالان رهبر حزب کارگران کردستان یا PKK اهداف جدایی طلبانه و استقلال کردستان از ترکیه را در شرایط بازداشت خود تعدیل نموده و بر وفاداری نسبت به ترکیه تأکید نموده است. فعالیت های PKK همراه با بستر اجتماعی خود گسترش یافته و به مرزهای ایران و شمال عراق نیز سرایت کرده است. در حال حاضر ترکیه از حیث ناآرامی سیاسی و امنیتی در مناطق کردنشین وضعیت حادثتری نسبت به دیگر کشورها دارد. ترکیه در کنار چالش فزاینده ی سیاسی- نظامی PKK پس از ۱۹۹۱م با دو چالش برون مرزی در ارتباط با کردها روبرو گردیده است. یکی چالش تأسیس خودگردانی در شمال عراق که بر ترکیه تأثیر گذاشته است و دیگری چالش تحصیل شرایط خاص برای عضویت در اتحادیه اروپا، از جمله بهبود وضع کردها از نظر دموکراسی و حقوق بشر و اختیارات منطقه ای و غیره. دولت ترکیه در واکنش نسبت به این چالش ها ناگزیر از تغییر سیاست سنتی خود بر علیه کردها گردیده است (حافظنیا، ۱۳۸۸).

در سوریه جمعیت کردها و فضای جغرافیایی مربوطه نسبت به ترکیه، ایران و عراق محدودتر است. فشارهای دولت سوریه در گذشته و انکار هویت و حقوق آنها به از هم پاشیدگی کردها کمک کرده است. در حال حاضر تعدادی حزب سیاسی کرد به صورت غیرقانونی در سوریه فعالیت می کنند و هیچ کدام روش خشونت آمیز را برای طرح مطالبات خود با دولت مرکزی در پیش نگرفته اند و از اقداماتی که متهم به جدایی طلبی شوند نیز پرهیز می کنند. ولی خواست های خود را به صورت مسالمت آمیز در راستای شناسایی فرهنگی و تأمین حقوق انسانی برای اقلیت کرد مطرح می نمایند (حافظ نیا، ۱۳۸۸). در برابر آن سیاست دولت سوریه نیز شدید بوده که اعتراض عفو بین الملل را نیز به همراه داشته است.

#### ۱۱-۶- سناریوهای تأثیرگذار فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی کردهای ایران

بدون تردید نواحی کردنشین ایران نیز از تحولات کردستان عراق متأثر شده و شرایط جدیدی را پیش روی خود می بیند. اگر سیستم فدرالیسم به عنوان ساختاری جدید در منطقه در نظر گرفته شود که با طرح خاورمیانه بزرگ و تلاش آمریکا برای پیشبرد دموکراسی و فدرالیسم در این منطقه همسو است، قطعاً نگرانی های جدی را برای بسیاری از کشورهای همسایه عراق که به شکلی دموکراتیک اداره نمی شوند پدید خواهد آورد (سلطانی نژاد، ۱۳۸۴).

در سال های اخیر و بعد از تأسیس نظام فدرالی در عراق و تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان در شمال آن کشور، مخالفان کرد ایرانی نیز در تحلیل های خود با اقتباس از وضعیت کردهای عراق نسخه فدرالیسم را برای ایران به عنوان گزینه ای مناسب معرفی و تبلیغ می کنند (حافظنیا، ۱۳۸۸). دولت اقلیم کردستان به عنوان یکی از بازیگران جدید در منطقه دارای اهمیت فزاینده ای در سیاست های داخلی، منطقه ای می تواند دارا باشد زیرا آنها می توانند مشروعیت دولت ها را در گروه های قومی، زیر سؤال برده و به اقداماتی فراتر از مرزهای رسمی تأثیراتی داشته باشند و با برخورداری از حمایت های بین المللی توجه قدرتهای خارجی را جلب کنند. به نظر می آید چنین اقداماتی هرچند باعث سرنوشتی دولت ها نمی شوند، اما می توانند تغییرات قابل توجهی در سیاست های داخلی به وجود آورده و چهره داخلی کشورها را دگرگون کنند.

صرفنظر از برخی از موفقیت های ایران در دوره های مختلف بعد از انقلاب، آنچه در باب آسیب شناسی و تهدید شناسی مسائل ناشی از کردهای شمال عراق بر مناطق کردنشین ایران در سطح بین المللی تأثیرگذار و حائز اهمیت می باشد ناشی از این امر است که این تحولات تحت نظر و هدایت آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی رقیب ایران هدایت می شود. گرچه روند کنونی و ضد ایرانی برای مدتی توانسته بود مشکلات سختی برای ایران ایجاد کند، ولی در حال حاضر از شدت مسئله به نحوی کاسته شده است. دولت فدرالیسم کردستان محیطی را فراهم کرده است که فی نفسه برای ایران می تواند خطر آفرین باشد. در این راستا دو خطر عمده برای ایران در کردستان عراق خودنمایی می کند: الف) اقدامات گروه های مخالف ایران در آن مناطق و رخنه به مرزهای ایران. ب) حضور و نفوذ فزاینده قدرتهای غربی و اسرائیل در منطقه کردستان عراق.

از سویی دیگر کردهای همسایه عراق خود را بیش از هر زمان دیگری به تحقق آرمان های خود نزدیک می بینند، زیرا رفاه اجتماعی، امنیت سیاسی و ثروت اقتصادی، هر سه در چارچوب قوانین نوین عراق برای کردهای این کشور قابل دستیابی هست. احزاب شورشی دیروز در حال تبدیل شدن به احزاب محافظه کار فردای عراق هستند، که بر حفظ تمامیت ارضی این کشور پای می فشارند. بنابراین کردهای عراق نه مایل هستند و نه به مصلحت خود می دانند که در چنین شرایط مناسب که پیش روی آنها قرار گرفته بار دیگر به تکرار شعارهای قدیمی وحدت اکراد، درگیری جدید برای خود در داخل عراق به وجود بیاورند و از چشم متحدین غربی نیز محکوم شوند. سیاستمداران کشور همسایه و همچنین کشور ایران فرصت کمی در اختیار دارند تا به درک تحولات جدید نایل آمده و تدبیری نو و مطابق شرایط کنونی بیاندیشند زیرا آنان صرفاً در آینده از شکل گیری سازمان های مدنی کرد که برای احقاق حقوق خود در چارچوب نظام های دولت ملی کنونی و بر اساس موازین قانونی تلاش خواهند کرد حمایت می نمایند (تیشه یار، ۱۳۸۴).





## ۱۱-۷- تقویت هویت کردی از طریق شکل گیری حکومت ناحیه ای کردستان عراق

حکومت کردستان در راستای آرزوی دیرینه کردها پدید آمده و به ایجاد و تقویت تأسیسات و نهادهای مورد نیاز، آن هم به کردی می پردازد. به عبارتی هویت کردی را نیز توسعه می دهد که برای هر فرد کردی در جهان مایه مباهات می باشد (حافظنیا، ۱۳۸۸). کردستان عراق امروز به مرکز تبلیغ و ترویج این اندیشه ها و سرایت آن به کشورهای همسایه تبدیل شده است (مهری پور، ۱۳۸۱).

یکی از موارد و مسائل مهمی که باید به آن اشاره داشت این است که اصرار ایران مبنی بر ایجاد یک حکومت مرکزی در عراق، به روابط خوب ایران و گروه های مهم کردی در عراق لطمه جدی وارد می سازد. چنین اتفاقاتی نفوذ و قدرت مانور سیاسی ایران را در عراق بسیار کاهش می دهد و شیعیان در این کشور تحت فشار مضاعف قرار خواهند گرفت. آنچه در این میان مهم است نقش مؤثر سیاسی ایران در اقلان گروه های عراقی و به ویژه کردها در قبول طرحی است که به تمامیت ارضی عراق لطمه وارد نشود، همسایگان را با بی ثباتی روبرو نسازد و کردها نیز بتوانند به نحوی در اداره امور داخلی خود، خودمختار باشند. طبیعی است کردهای عراقی بیش از هر چیزی به خودمختاری بر اساس تقسیم بندی قومی هستند در حالی که این مسئله می تواند هم به بحران خونین در عراق تبدیل شود و هم شکل گیری دولت ملی در عراق را با مشکل روبرو سازد. بنابراین اگر همسایگان عراق و به ویژه جمهوری اسلامی ایران بتواند ضمن حفظ دوستی خود با کردها آنها را به داشتن یک نوع خودمختاری بر اساس تقسیم بندی جغرافیایی قانع کند، منافع ایران و عراق بیش از هر طرح دیگری تأمین خواهد شد (فرجی راد، ۱۳۸۷).

آنچه مسلم است کردهای عراق تحت هیچ شرایطی با توجه به مشکلات تاریخی و تناقضات ساختاری، نژادی و فرهنگی متمایل به سوریه و ترکیه نخواهند شد، که این خود برگ برنده ایران در معادلات کردستان و عراق خواهد بود. از طرف دیگر تنها گذاشتن کردهای عراق در معادلات منطقه ای، علی رغم میل باطنی، آنها را متوجه اسرائیل خواهد کرد. دومین مسئله ای که در جهت گیری موفق سیاست گذاری های امنیتی ایران در عراق حائز اهمیت است آن که به کردها باید نشان داد مهم ترین گزینه آنها برای داشتن موقعیت بهتر، ائتلاف آنها با اکثریت شیعه است که این خود یک نفع سه سویه برای کردها، شیعیان عراقی و ایران می باشد.

## ۹- نتیجه گیری

فدرالیسم شکلی از همبستگی و سازمان بندی سیاسی است که واحدهای حکومتی جداگانه موجود در نظام سیاسی جامع تری را به هم می پیوندد و به هر یک از آن واحد ها امکان می دهد که تمامیت و یک پارچگی سیاسی اصلی خود را حفظ کنند. برقراری فدرالیسم لزوماً به دموکراسی منجر نمی شود، بلکه فدرالیسم تنها ضمانتی برای توزیع منطقه ای قدرت و نه توزیع اجتماعی قدرت است. با شکل گیری حکومت منطقه ای کردستان عراق در دهه ۹۰ و پذیرش نظام فدرالیسم در این منطقه و انتخاب یک فرد کرد به ریاست جمهوری عراق، بازتاب هایی را در مناطق کردنشین ایران در پی داشته و خواهد داشت.

امروز با توجه به تحولات منطقه ای و جهانی نظام جمهوری اسلامی کاملاً به این امر واقف است که یک بحران قومی قوی در مناطق کردنشین حتماً دخالت قدرت های بزرگ جهانی را به رهبری آمریکا به دنبال خواهد داشت و این امر می تواند کشور را با مشکل مواجه سازد. با این حال نظر به حضور تمام عیار و درازمدت آمریکا در عراق و وجود پایگاه های متعدد و فعالی که این ابرقدرت در منطقه در اختیار دارد و با توجه به موضع گیری خصمانه دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران قابل درک هست که رهبران ایران به قضیه عراق از زاویه دیگری نگاه کنند. از طرف دیگر رژیم اسرائیل از زمان سقوط صدام فعالیت های وسیعی را در جهت افزایش نفوذ این کشور در منطقه آغاز کرده است. لذا ایران از رابطه دیپلماسی و سیاسی با کردستان عراق نمی تواند از پیامدها و عوارض جانبی و منفی هر نوع تحولی غفلت نماید. اما دغدغه های ایران به همین جا ختم نمی شود، همان گونه که در دوران جنگ سرد و نزدیکی عراق به شوروی، ایران به عنوان یکی از هم پیمانان اصلی بلوک غرب در منطقه اجازه حضور نیروهای اطلاعاتی اسرائیلی و آمریکایی در مجاورت مرزهای خود با عراق را داده بود، این احتمال وجود دارد که دولت مردان عراق اجازه تأسیس پایگاه های نظامی و اطلاعاتی به آمریکا و اسرائیل در بخش هایی از خاک خود به ویژه در مناطق کردستان و در مجاورت مرزهای ایران را بدهد، این امر قطعاً می تواند تأثیر جدی بر آینده روابط دوجانبه این کشورها داشته باشد.

اما امروزه در مناطق کردی ایران نیروهای اجتماعی اعم از اقلیت تحصیل کرده و نمایندگان مجلس از طریق مجرای قانونی خواهان تحقق مطالبات و خواسته های قومی خود هستند زیرا آنها دیگر نمی خواهند بحران سومی در مناطق کردنشین شکل بگیرد. لذا از پیامدها و تبعات مخرب درگیری های مسلحانه آن کاملاً آگاهند و می دانند که برای رسیدن به مطالبات قانونی دیگر اسلحه کاربرد چندانی ندارد.



ایران همواره به عنوان قبله عالم سیاسی - امنیتی - اقتصادی در منطقه مورد توجه بوده و این که پس از پیروزی انقلاب بعد عقیدتی نیز به آن اضافه شده است. تأثیرات جمهوری اسلامی ایران بر منطقه باعث گردیده تا ایران به عنوان مهم ترین بازیگر ناحیه تلقی شود. از نظر اقتصادی تلاش ایران برای مشارکت در بازسازی عراق می تواند باب جدیدی از مناسبات میان دو کشور را بگشاید، زیرا از بین رفتن تنش ها در روابط دوجانبه قطعاً در افزایش امنیت اقتصادی عراق برای صادرات نفت آن کشور نقش مؤثری خواهد داشت. به علاوه، گسترش همکاری های فرهنگی و افزایش سفر ایرانیان به عتبات به همراه راه اندازی بازارچه های مرزی گسترده، می تواند در آینده منابع اقتصادی ارزشمندی برای طرفین محسوب شود.

## منابع و مراجع

- [۱] احمدی، ح. (۱۳۸۲) "آسیب شناسی جریان های سیاسی عراق"، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۸، تابستان.
- [۲] اسدالهی، ح. (۱۳۸۶) "هویتها و قومیتها در عراق پس از صدام"، ماهنامه سیاسی، شماره ۴۱، تیرماه.
- [۳] اسدی، ع. ا. (۱۳۸۵) "ساختار جدید قدرت در عراق: دیدگاه و عملکرد دولت های عربی"، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال هفتم، اسفندماه.
- [۴] امیدی، ع. (۱۳۸۸) "مقایسه مدل های ساختاری مدیریت مناطق جوامع متکثر قومی"، دو فصلنامه برنامه و بودجه، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان.
- [۵] امیری، س. ر. (۱۳۸۹) "ریشه های ناامنی سیاسی و اجتماعی در عراق"، فصلنامه ضمیر، سال اول، شماره ۲.
- [۶] برزگر، ک. (۱۳۸۵) سیاست خارجی ایران در عراق جدید، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- [۷] بیات، ک. (۱۳۷۴) شورش کردهای ترکیه و تاثیر آن بر روابط خارجی ایران، نشر تاریخ ایران.
- [۸] تیشه یار، م و ظهیری نژاد، م. (۱۳۸۴) بررسی نقش جغرافیایی سیاسی عراق در روابط با همسایگان، نشر ذره.
- [۹] جوانمردی صاحب، م. (۱۳۸۰) "تراژدی انفال، ماهنامه روانگه"، شماره هشتم، اسفندماه.
- [۱۰] حافظ نیا، م. ر. (۱۳۸۸) "تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه"، فصلنامه نگاره، سال اول، شماره ۱، بهار.
- [۱۱] حسن پور، ع. (۱۳۸۱) "اتحادیه میهنی کردستان، فصلنامه راقه"، شماره ۳، تابستان.
- [۱۲] رندل، ج. (۱۳۷۹) با این رسوایی چه بخشایشی، تحلیل مسائل سیاسی کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید.
- [۱۳] روحی، ن. (۱۳۸۸) "سیاست خاورمیانه ای آمریکا و کردستان عراق"، بولتن موسسه ابرار معاصر تهران، پاییز.
- [۱۴] ساعی، ا. و مرادی، ج. (۱۳۹۰) "معضلات فدرالیسم در عراق، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا"، شماره ۷، تابستان.
- [۱۵] سلطانی نژاد، ا. (۱۳۸۴) بررسی تاثیر جنگ عراق بر همسایگان عراق پس از سقوط بغداد، انتشارات وزارت امور خارجه.
- [۱۶] فرجی راد، ع. (۱۳۸۷) "ژئوپلیتیک جدید عراق و تاثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه تدوین، سال اول، شماره ۱، پاییز.
- [۱۷] قاسمی، ع. پ. (۱۳۸۸) "اسرائیل در کردستان عراق"، بولتن موسسه ابرار معاصر تهران، پاییز.
- [۱۸] قربانی شیخ نشین، ا. و قدیمی، ا. (۱۳۹۱) "تاثیر تحولات کردستان عراق بر کردستان ایران"، ماهنامه ظهور، سال دوم، آبان.
- [۱۹] کاکایی، س. (۱۳۸۷) عراق فدرال، "فرصتها و چالش ها، فصلنامه مطالعات منطقه ای"، سال نهم، شماره ۳۳ و ۳۴، بهار و تابستان.
- [۲۰] کرمی، ج. (۱۳۷۶) "گزارشی از تحولات شمال عراق در دهه ۱۹۹۰"، مجله سیاست دفاعی، سال ششم، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان.
- [۲۱] کوچرا، ک. (۱۳۷۷) جنبش ملی کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر نگاه.
- [۲۲] مقصودی، م. (۱۳۸۲) کردستان عراق چشم انداز آینده، موسسه ابرار معاصر تهران.
- [۲۳] مقصودی، م. (۱۳۸۴) نقش گروه های قومی در شکل دهی به نظام سیاسی عراق با تاکید بر نقش کردها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- [۲۴] مک داوول، د. (۱۳۸۰) تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پابند.
- [۲۵] مهری پور، ذ. ا. (۱۳۸۱) "کردستان عراق و سیاست های جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه راقه، شماره ۳، بهار.
- [۲۶] نصری مشکینی، ق. (۱۳۷۸) جمعیت و امنیت، امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.